

صورت‌بندی و تحلیل موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده

* احمد واعظی

** نعمت‌الله کرم‌اللهی

*** سیده‌محمدحسین هاشمیان

**** حسین پرکان

چکیده

هر موضع‌گیری سیاست‌گذار، یک موقعیت هرمنوتیکی را برای وی رقم می‌زند و فهم‌های بعدی او متأثر از این انتخاب است. چنین موقعیت‌هایی، موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی هستند که برخی از آن‌ها کلیدی است و با هر انتخاب در این موقعیت‌ها، زنجیره‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی به وجود خواهد آمد.

در این پژوهش با بهره‌گیری از راهبرد تحلیل مضمون، موقعیت‌های تقابلی در حوزه خانواده، بر اساس شش منبع شامل: اسناد بالادستی، بیانات امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، راه‌کارها و سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت‌ها، اظهارنظر مسئولین، نخبگان و فرهیختگان، مدل‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری عمومی، الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی و نیز ۲۱ دوراهی شورای اروپا، استخراج شده و طی ۱۱ مرحله با بهره‌گیری از روش ISM، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی مشخص و تبیین شده است.

در پایان مهم‌ترین چالش‌های هرمنوتیکی حوزه خانواده مبتنی بر روابط موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در یک سطح «کلی» و چهار سطح موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حوزه خانواده واکاوی شده است.

کلیدواژه‌ها

موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، سیاست‌گذار، سیاست‌گذاری فرهنگی، حوزه خانواده.

ahmadvaezi01@bou.ac.ir

N.karamollahi@bou.ac.ir

Hashemian@bou.ac.ir

H.parkan@dte.ir

* استاد گروه فلسفه دانشگاه باقرالعلوم 7

** دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم 7

*** دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم 7

**** دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم 7 (نویسنده مسئول)

مقدمه

موقعیت‌های تقابلی در حوزه خانواده، مجموعه‌ای پراکنده از تقابل‌های فرهنگی موجود برای انتخاب و تعیین مواضع سیاست‌گذاران در این حوزه است. موقعیت‌هایی که می‌توان با آن پدیده‌ها و رخداد‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در حوزه خانواده را با رویکرد فرهنگی تحلیل کرد و به دلیل وجود همین موقعیت‌ها، سیاست‌گذاران فرهنگی در حوزه خانواده، امروزه از ناتوانی‌های‌شان در تحقق خواسته‌های‌شان آگاه‌تر شده‌اند. در واقع، به دلیل وجود این موقعیت‌های تقابلی و پیچیدگی و درهم‌تنیدگی جوامع و فرهنگ‌های محلی و ملی، سیاست‌گذاران با پیوستارهای گسترده‌ای از بلا تکلیفی‌ها روبرو هستند که بایستی با انتخاب موضع شفاف و منسجم نسبت به آنها کارها را پیش ببرند.

سیاست‌گذاری، نیازمند گزینش‌های روشن و اغلب دشوار است و از نگاه به اینکه شیوه خوب و مطلوب کنونی در کجاست و به کدام یک از طرفین موقعیت‌های تقابلی تمایل دارد، هراسی نداشته است (Matarasso and Landry, 1999). امید می‌رود این مقاله، یاری‌دهنده سیاست‌گذاران فرهنگی در حوزه خانواده باشد که عقاید خود را روشن‌تر نمایند و موقعیت‌های هرمنوتیکی خود را در اظهارنظرهای انتقادی یا موقعیت‌های تقابلی مشخص کنند.

۱. بیان مسئله و ضرورت تحقیق

هر فرد چه در مقام یک سیاست‌گذار فرهنگی و چه غیر آن، همواره دارای دنیای ذهنی، افق دید، جهت‌گیری‌ها، پیش‌دانسته‌ها، علائق، انتظارات و اموری از این دست است که آن را موقعیت هرمنوتیکی وی می‌گویند. این موقعیت، پیوسته در حال تغییر است و برای سیاست‌گذار هم، زاویه دید و هم محدودیت در نگرستن و هم چگونه دیدن را رقم می‌زند و در نتیجه، هم اصل فهم را ممکن می‌سازد و هم فهم و دیدن را محدود می‌کند (واعظی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۸).

هر موقعیت هرمنوتیکی، خود یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری موقعیت هرمنوتیکی دیگر است. این تأثیرگذاری، همواره به صورت زنجیره‌وار ادامه دارد. در واقع، هر موقعیت هرمنوتیکی، خود موقعیت‌ساز هم هست.

در سیاست‌گذاری فرهنگی، فارغ از اینکه از چه الگویی استفاده می‌شود، بایستی توجه داشت که در پس هر سیاستی که اتخاذ می‌گردد، موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی ای وجود دارند که پیش‌فرض‌ها، پیش‌تصورات و بسیاری از داشته‌های سیاست‌گذاران را شکل داده است. در واقع، هر کس سیاست‌گذاری فرهنگی می‌کند، در رتبه سابق، آگاهانه یا ناآگاهانه، نسبت به برخی از امور کلیدی اتخاذ موضع کرده است. هر موضع‌گیری، یک موقعیت هرمنوتیکی را برای سیاست‌گذار رقم زده است.

برخی از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، کلیدی هستند. با هر انتخاب در این موقعیت‌ها، زنجیره‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی به وجود خواهد آمد که در صورت انتخاب گزینه‌های دیگر، زنجیره‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی دیگر، ایجاد خواهد شد.

موقعیت هرمنوتیکی سیاست‌گذار، هم ناشی از پیش‌فرض‌ها، پیش‌دانسته‌ها و پیش‌تصورات اوست، هم تابع مواضع اوست و هم مؤثر در جهت‌گیری فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری او. هر چه عناصر تشکیل‌دهنده موقعیت هرمنوتیکی سیاست‌گذار، کلیدی‌تر باشد، تأثیر و تأثرات آن در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی، عمیق‌تر یا گسترده‌تر خواهد بود. آنچه که در اینجا اهمیت دارد، این است که عدم موضع‌گیری شفاف نسبت به آنها توسط نظام سیاست‌گذاری، آشفتگی گسترده ایجاد می‌کند.

در اینجا بایستی به این نکته التفات داشت که واژه موقعیت هرمنوتیکی، عرض عریض و عناصر متعددی دارد (ر.ک. واعظی، ۱۳۹۳). در این تحقیق، به حوزه خاصی از موقعیت هرمنوتیکی توجه خواهد شد و آن حوزه خاص، عبارت از «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حوزه خانواده».

گشوده‌شدن افق‌ها متناسب با هر موقعیت‌ساز، منجر به محدودیت در درک و فهم سایر افق‌های متقابل است. این موضوع، شاید مهم‌ترین عامل پیدایش دسته‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی و فرهنگی باشد که به‌طور معمول از درک صحیح یکدیگر عاجزند. به عبارت دیگر، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، موقعیت‌هایی هستند که بسیاری از موقعیت‌ها، وابسته به آن است و قرار گرفتن در آن، الزاماً موقعیت خاصی را برای سیاست‌گذار به دنبال دارد. عدم آگاهی نسبت به موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و نیز عدم تلاش به‌منظور

موضع‌گیری شفاف و هماهنگ نسبت به آنها، خطرات متعددی را به همراه دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خطر تشّت در مراحل مختلف سیاست‌گذاری؛ ۲. خطر تشخیص اشتباه علل اصلی و واقعی تعارضات و مشکلات؛ ۳. خطر عدم هماهنگی و عدم تناسب در سیاست‌گذاری خانواده (کاریکاتوری‌شدن سیاست‌ها)؛ ۴. خطر جایگزینی نقاط اشتراک سیاست‌گذاران به جای اولویت‌ها و ۵. خطر در بهره‌برداری افراطی از ابزارهای قدرت، با هدف تحمیل سلیقه‌های شخصی سیاست‌گذاران.

عرصه خانواده و سیاست‌گذاری فرهنگی در آن، یک عرصه زمان‌بر و دیربازده است. هم مسائل، به تدریج و در طول زمان ظهور می‌یابند و هم راه‌کارها، معمولاً در طولانی‌مدت، به نتیجه می‌رسند. بنابراین، کوچک‌ترین خطا در مراحل سیاست‌گذاری، هزینه‌های زیادی را چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی بر جامعه تحمیل خواهد کرد. از این رو، بایستی به همه جوانب کار التفات کرد و آگاهانه دست به شناسایی و انتخاب زد.

۲. پیشینه تحقیق

چالش‌ها و آسیب‌های موجود سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه خانواده، همواره دغدغه سیاست‌گذاران بوده است. در این زمینه، کتاب‌ها و مقالات متعددی وجود دارد که به آسیب‌شناسی در حوزه خانواده پرداخته‌اند. این آسیب‌شناسی‌ها، به‌طور عمده در موضوعاتی همچون: نقش زنان در خانواده (طالبی و میناوند، ۱۳۹۰: ص ۵۷-۸۶)، خشونت علیه زنان (شعاع کاظمی، ۱۳۹۶: ص ۳۵-۵۲) و مانند آن انجام شده است. همچنین کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه سیاست‌گذاری وجود دارد که به آسیب‌شناسی یا نقد الگوها پرداخته‌اند. در آسیب‌شناسی الگوها و جریان سیاست‌گذاری به‌طور عام، مهم‌ترین آسیبی که وجود دارد عبارت است از: قدرت و نفوذ ناعادلانه گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی در فرایند سیاست‌گذاری؛ البته نقش‌های مثبتی نیز برای این جریان‌ات ذکر می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به آثار ذیل که به‌صورت نظری به این موضوع پرداخته‌اند اشاره کرد: فصول سوم و ششم کتاب تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، اثر سیدمهدی الوانی (۱۳۷۴)، فصل نهم

کتاب تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، اثر رحمت‌الله قلی‌پور (۱۳۹۳) و فصل دوم کتاب فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، اثر سیدمهدی الوانی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۶). اما درباره آسیب مهمی که موضوع این تحقیق قرار گرفته، در متون علمی سیاست‌گذاری، توجه جدی به آن نشده و تنها در برخی از مباحث، به‌طور عام و غیرمستقیم اشاراتی به آن شده و یا به برخی از ابعاد آن پرداخته شده است. مهم‌ترین آثاری که در اصل موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی به‌صورت عام و نه مسئله خاص این تحقیق، پرداخته‌اند عبارتند از: «۲۱ دوراهی راهبردی در سیاست‌گذاری فرهنگی (شورای اروپا)» است. در این اثر به مهم‌ترین دوگانه‌های فرهنگی در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی پرداخته شده است. دوگانه‌های مطرح‌شده در این سند، متناسب با فرهنگ اروپاست.

اثر دیگر، پایان‌نامه محمدحسن فرج‌نژاد (۱۳۹۲) است. در این اثر، علاوه بر دوگانه‌های شورای اروپا، ۱۳ دوگانه دیگر نیز معرفی و در مجموع با استفاده از ۳۴ دوگانه فرهنگی، میزان تطابق «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» با اسناد فرودستی این سند بررسی گردیده است. این اثر نیز، نگاه بنیادین به دوگانه‌ها ندارد.

در مبحث موقعیت هرمنوتیکی، در آثار افرادی همچون گادامر (۲۰۰۴) تبیینی که از روند شکل‌گیری موقعیت‌های هرمنوتیکی صورت گرفته، نکات قابل‌استفاده‌ای را برای این تحقیق به‌همراه داشته است. همچنین در آثاری مانند: جمله کتاب درآمدی بر هرمنوتیک (۱۳۹۳) و نیز کتاب نظریه تفسیر متن (۱۳۹۲) اثر احمد واعظی به این موضوع پرداخته شده است.

در پژوهش‌های مربوط به سیاست‌گذاری عمومی، به عوامل تأثیرگذار متعددی توجه شده و مبتنی بر آن، الگوهایی پیشنهاد شده است. لیکن، به‌عامل بسیار مهم تأثیرگذار در فهم و فرایندهای آن، همچون «موقعیت هرمنوتیکی» و نیز «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی»، توجه چندانی نشده است. این در حالی است که موقعیت‌های هرمنوتیکی، فهم هر یک از سیاست‌گذاران را تحت تأثیر قرار داده و برداشتی متفاوت از مسائل و راهکارها را در ذهن ایشان ایجاد می‌نماید.

دسته‌ای دیگر از آثار در سایر رشته‌ها وجود دارد که در ارتباط با موضوع این تحقیق،

قابل بهره‌برداری است. از آن جمله می‌توان به کتاب‌هایی که به بررسی جریان‌های فکری و سیاسی در تاریخ معاصر ایران پرداخته‌اند؛ همچون کتاب جریان‌های فرهنگی ایران معاصر، نوشته رضا بیگدلو (۱۳۹۷) و کتاب تحلیل جامعه‌شناختی جریان‌های روشنفکری در ایران، اثر سیدمیرصالح حسینی جبلی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

همچنین می‌توان به کتاب‌هایی که در حوزه انسان‌شناسی و فرهنگ نگاشته شده است، همانند: کتاب صد و یک پرسش از فرهنگ، اثر آقای ناصر فکوهی (۱۳۹۴) اشاره کرد. در این کتاب، مهم‌ترین چالش‌های نظری و یا عملی در عرصه فرهنگ در قالب پرسش‌هایی مطرح و به اختصار توضیح داده است.

دسته‌ای دیگر از آثار در حوزه جامعه‌شناسی است که مهم‌ترین چالش‌های جامعه‌شناسی را مطرح و توضیحاتی راجع به آن ارائه شده است. مانند: کتاب دوگانه‌های اصلی جامعه‌شناسی (Jenks, 1998) و نیز کتاب بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی، اثر آقای تقی آزاد ارمکی (۱۳۹۱) اشاره کرد که به برخی از بنیان‌های فکری در شکل‌گیری نظریه جامعه ایرانی پرداخته است.

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، ابعاد نوآورانه این مقاله عبارت است از:

- ۱- شناسایی و احصاء جامع موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده، مبتنی بر مبانی و اصول فرهنگی جمهوری اسلامی؛
- ۲- مقوله‌بندی موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده؛
- ۳- شناسایی و تبیین کلیدی‌ترین موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده.

۳. ادبیات تحقیق

در این بخش، ابتدا تبیینی از مفاهیم «فرهنگ»، «سیاست‌گذاری» و سیاست‌گذاری فرهنگی صورت می‌گیرد و سپس موقعیت هرمنوتیکی، موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی و موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی تبیین خواهد شد.

۱-۳. مفهوم فرهنگ

نگاه حاکم در این مقاله در تعریف فرهنگ، همان نگاهی است که فیلیپ اسمیت (۱۳۸۳) مطرح کرده و پیرامون مضامین زیر است:

الف) فرهنگ مورد نظر این مقاله، به تقابل با چیزهای مادی، فناوریانه و امور دارای ساختار اجتماعی تمایل دارد؛ هرچند پذیرفتنی است که ممکن است بین فرهنگ و آنچه ذکر شد، روابط پیچیده تجربی وجود داشته باشد، ولی می‌توان نشان داد که لازم است فرهنگ را به‌عنوان چیزی درک کرد که به‌طور کامل متمایز است از آنچه در مجموع «راه و رسم زندگی» نامیده می‌شود و مجردتر از آن است.

ب) فرهنگ مورد نظر این مقاله، به‌منزله قلمروی امر فکری، معنوی و غیرمادی در نظر گرفته می‌شود. فرهنگ، به‌عنوان عرصه سازمان‌یافته باورها، ارزش‌ها، نمادها، نشانه‌ها و گفتمان‌ها درک می‌شود.

ج) در این مقاله بر «استقلال فرهنگ» تأکید می‌شود. لذا نمی‌توان فرهنگ را بازتاب محض قدرت‌های زیربنایی اقتصادی، تقسیم قدرت، یا نیازهای ساختاری اجتماعی توصیف کرد یا به چنین توضیحی از فرهنگ بسنده کرد.

د) تلاش می‌شود حتی‌المقدور، فرهنگ از نظر ارزشی، خنثی و بی‌طرف باشد. مطالعه فرهنگ محدود، به هنرها نیست، بلکه شامل همه جنبه‌ها و سطوح زندگی اجتماعی می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳: ص ۱۵-۱۷). لذا این مقاله، تعریف مختاری از فرهنگ ندارد.

۲-۳. سیاست‌گذاری فرهنگی

از نظر شافریتز و بریک، سیاست، تصمیمی پایا است که توسط یک منبع دارای اقتدار گرفته می‌شود. سیاست‌ها به‌صورت عام‌تر و با کمی تسامح، می‌توانند اهدافی باشند که قرار است به‌دست آیند (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰: ص ۴۲).

برای سیاست‌گذاری عمومی تعاریف مختلفی ارائه شده است و هر کدام، از دیدگاهی خاص آن را تعریف کرده‌اند. به‌عنوان نمونه به دو مورد از این تعاریف اشاره می‌شود:

«برنامه‌های سیاسی برای اجرای طرح‌هایی به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی»

رویکرد این مقاله در بررسی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده، بررسی نحوه ورود یا عدم ورود دولت در حوزه خانواده و نیز بررسی میزان و نحوه حضور آن است. (کنار بگذارند) (Dye, 2013: p. 3).

الگوهای متعددی در سیاست‌گذاری وجود دارد که به کارگیری هر یک در عرصه فرهنگ، موقعیت‌های تقابلی خاصی را نیز به همراه دارد. اسامی برخی از آنها عبارتند از: خط‌مشی عقلانی: خط‌مشی به‌مثابه حداکثر دستاورد اجتماعی (ibid.: p. 19)، تغییرات جزئی تدریجی: خط‌مشی به‌مثابه اعمال تغییرات در فعالیت‌های گذشته (هاولت، رامش و پرل، ۱۳۹۴: ص ۲۶۳-۲۶۷)، مدل رضایت‌بخش (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۶: ص ۳۹-۴۱)، بررسی تلفیقی: ترکیب دو مدل (هاولت، ۱۳۹۴: ص ۲۶۸-۲۷۱)، گروهی: خط‌مشی به‌مثابه حاصل تعادل و تعامل بین گروه‌ها (Dye: p. 22-23)، مدل سطل زباله: تصمیم‌گیری در شرایط مبهم و نامنظم (هاولت، ۱۳۹۴: ص ۲۷۱-۲۷۳)، انتخاب عمومی (ibid.: p. 25-27)، مدل نهادی: خط‌مشی به‌مثابه یک بازده نهادی (ibid.: p. 12)، سیستمی: خط‌مشی به‌عنوان بازده سیستم (Shafritz and Borick, 2008: p. 15)، فرایندی: خط‌مشی‌گذاری به‌مثابه فعالیت سیاسی (Dye: p. 16-17)، نخبگان یا طبقات بانفوذ (ibid.: pp. 22-24)، بازی: خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان انتخابی عقلایی در شرایط رقابتی (ibid.: p. 26-28).

برخی صاحب‌نظران برای سیاست‌گذاری فرهنگی نیز به‌طور خاص، الگوهایی را تشریح کرده‌اند. اسامی برخی از این الگوها عبارتند از: الگوی ماتریسی (حاجیان، ۱۳۹۱: ص ۱۳۸)، الگوی کلان‌نگر (همان: ص ۵۷)، الگوی خردنگر (همان: ص ۶۰-۶۲)، الگوی اقتدارگرا (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۲: ص ۵۸-۵۹)، الگوی دموکراتیک (همان: ص ۵۹)، الگوی جامعه‌گرایانه (همان: ص ۵۱-۶۹)، الگوی بازار (گویگان، ۱۳۸۸ و فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ص ۲۰۷-۲۵۷)، الگوی دولتی (همان)، الگوی آرمان‌شهرگرا یا آرمان‌گرا (خاشعی، ۱۳۹۰: ص ۴۰)، الگوی واقع‌گرا (Mayers and Bass, 2004: p. 35)، الگوی توسعه‌گرا (بهادری، ۱۳۷۶: ص ۲۳)، الگوی شریعتمدارانه (کاوسی و چاوش‌باشی، ۱۳۸۹: ص ۲۲۵-۲۲۸)، الگوی نخبه‌گرا

(پارسونز، ۱۳۸۵: ص ۷۰ و بنیانیان، ۱۳۸۶: ص ۱۲۴-۱۲۵)، الگوی ذهن‌گرا (اشترینان، ۱۳۹۱: ص ۶۵)، الگوی راهبردی یا مدیریت استراتژیک فرهنگی (طبرسا، ۱۳۸۲: ص ۹۵)، الگوی تکثر و حقوق فرهنگی (پهلوان، ۱۳۹۰: ص ۱۳۹-۲۰۷) و الگوی وحدت در کثرت (صالحی امیری و حیدری‌زاده: ص ۱۲۸-۱۳۱).

۳-۳. هرمنوتیک و بازتاب آن در سیاست‌گذاری فرهنگی

تا به حال، تعاریف متنوعی از هرمنوتیک ارائه شده که از آن جمله می‌توان به دسته‌بندی ریچارد پالمر (Palmer, 2000: p. 33) اشاره کرد که عبارتند از: ۱. نظریه تفسیر متون مقدس؛ ۲. روش‌شناسی عمومی؛ ۳. دانش همه فهم‌های منطقی؛ ۴. یک روش مبنایی برای علوم انسانی؛ ۵. پدیدارشناسی وجود و فهم وجودی؛ ۶. به‌مثابه سیستم‌های تفسیری که توسط انسان برای رسیدن به معانی پشت اسطوره و نمادها استفاده شده است.

پل ریکور در ابتدای مقاله «رسالت هرمنوتیک» خود، هرمنوتیک را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرمنوتیک، نظریه عمل فهم است در جریان روابطش با تفسیر متون» (به نقل از واعظی، ۱۳۹۳: ص ۲۸-۲۹). با التفات به اینکه در اینجا ریکور، تنها به مطلق فهم نپرداخته و آن را به حوزه عملیات فهم وارد کرده و جریان روابط فهم با تفسیر متون را نقطه اصلی تعریف قرار داده، این تعریف به‌عنوان تعریف هرمنوتیک اختیار شده است. در واقع آنچه عملیات فهم سیاست‌گذار فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده و جریاناتی را در تفسیر فرهنگ به‌مثابه متن ایجاد می‌نماید، موضوع این مقاله است. بنابراین مباحث فلسفی فهم و قواعد و روش‌های تفسیر متن از دستور کار آن خارج است.

توسعه‌ای که ریکور به مفهوم متن داده، منجر به گسترش بیش از پیش دایره هرمنوتیک شده است. لذا رابطه هرمنوتیک با سیاست‌گذاری فرهنگی نیز در گستره وسیعی شکل می‌گیرد و آن را با حوزه‌ها و رشته‌های بسیاری از جمله سیاست‌گذاری فرهنگی مرتبط می‌سازد.

پیمودن هر مرحله از فرایند سیاست‌گذاری، مستلزم امر ترجمه یا تفسیر است. ریکور (۱۳۹۳) درباره ترجمه و مشکلات آن، بحث‌های جدی را مطرح کرده که عدم توجه به

آن، سبب انحراف در فرایندهایی همچون ترجمه یا سیاست‌گذاری را فراهم می‌کند. ریشه بعضی از چالش‌ها و سؤالات سیاست‌گذاری فرهنگی را در قلمرو هرمنوتیک می‌توان جستجو کرد. مانند: اختلاف و تنوع در تفاسیر و قرائات از سیاست‌ها، اسناد بالادستی و متون دینی، تأثیرات مستمر و متغیر تاریخ و زمان در ذهنیت‌ها، مشروعیت‌دادن به ذهنیات سیاست‌گذاران و اجازه دخالت آن در شناسایی مسائل فرهنگی جامعه و تأثیرپذیری سیاست‌گذاران از انتظارات، دانسته‌ها و پیش‌داوری‌های خود.

۳-۴. موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی

در این تحقیق، اصطلاح هرمنوتیکی و موقعیت هرمنوتیکی از گادامر (۲۰۰۴) وام گرفته شده و در زمینه‌ای متفاوت از رویکرد گادامر به کار برده، شده است؛ زمینه‌ای که گادامر موقعیت هرمنوتیکی را به کار برده، مربوط به همه اشکال فهم است، ولی در این تحقیق، به کارگیری آن در مورد یک اقدام یا همان سیاست‌گذاری فرهنگی می‌باشد که این خود مبتنی بر فهم فرهنگی است و این فهم تحت تأثیر عوامل موقعیت‌ساز هرمنوتیکی است.

بر این اساس، می‌توان اصطلاح «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی» را جعل کرد. در واقع، «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی»، موضعی هستند که مفسر را در موقعیت‌های جدیدی قرار می‌دهند. فارغ از اینکه مفسر، آن موضع را انتخاب بکند یا انتخاب نکند، یا اینکه مفسر در این انتخاب یا عدم انتخاب، آگاهی داشته یا نداشته باشد. در هر حالت، موقعیتی جدید برای مفسر در اثر مواجهه با متن حاصل می‌شود که ناشی از «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی» است.

موقعیت‌ساز هرمنوتیکی، از جنس متعلق آگاهی است؛ یعنی آن‌دسته از مسائل و پرسش‌هایی که مهم‌اند و اتخاذ موضع و جهت‌گیری و نوع آگاهی ما نسبت به آنها می‌تواند در فهم‌ها و تفسیرهای ما اثرگذار باشد. موقعیت‌ساز هرمنوتیکی به تمام آن چیزهایی اطلاق می‌گردد که با آنها موقعیت‌های هرمنوتیکی شکل می‌گیرند. موقعیت هرمنوتیکی در معنای عام آن، شامل سلسله‌هایی از افکار، احساسات و تجارب خودآگاهانه

یا ناآگاهانه است که حیات ذهنی انسان را می‌سازند (اقتباس از سرل، ۱۳۸۲: ص ۱۶).
 موقعیت‌ساز هرمنوتیکی بر دانش نظری و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و غیره
 تقدم دارد؛ چراکه پیش از قرارداد فهم در چارچوب معرفت نظری و دانش منظم توسط
 انسان، فهمی صورت گرفته است. منظور از موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، این چنین فهم یا
 موقعیت قبلی است که فراتر از چارچوب‌های معروف است (اقتباس از واعظی، ۱۳۹۳:
 ص ۱۵۸-۱۶۷).

به نظر می‌رسد که در شکل‌گیری موقعیت‌های هرمنوتیکی، تمام موقعیت‌سازهای
 هرمنوتیکی فرد دخیل نیست، بلکه تنها زیرمجموعه‌گزینش شده‌ای از آن مداخله دارد. لذا
 این تحدید و گزینش، با آن بخش‌گزینش شده موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی مؤلف که در
 پیدایش متن، نقش آفرین بوده است، تفاوتی نخواهد داشت (اقتباس از همان: ص ۲۰۳-۲۰۴).
 کلیدی‌بودن یک موقعیت‌ساز هرمنوتیکی، لزوماً ناشی از عمق اثرگذاری نیست و
 ممکن است ناشی از گستره اثرگذاری باشد. موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی،
 موقعیت‌هایی هستند که بسیاری از موقعیت‌ها، وابسته به آن هستند و قرار گرفتن در آن،
 الزاماً موقعیت خاصی را برای انسان به دنبال دارد.

موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، عمده‌عنصری هستند از جنس پیش‌فرض و از
 جنس تفسیری که بیشترین نقش‌آفرینی را در ایجاد ابهام و بلا تکلیفی در سیاست‌گذاری
 فرهنگی دارند.

اگر در انتخاب بین دو موقعیت‌ساز، تردید به وجود آمد که کدام یک کلیدی‌تر است،
 موقعیت‌سازی انتخاب می‌شود که اولاً موجد موقعیت‌های بیشتری باشد و ثانیاً با مدیریت
 آن، موقعیت‌های زیادتری را بتوان مدیریت نمود.

۴. روش تحقیق

بر اساس مناظر هفت‌گانه پژوهش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۴-۵)، پارادایم این تحقیق،
 تفسیری، جهت‌گیری آن، نظری، رویکرد آن، استقرایی، نوع آن، کیفی، روش آن،
 کتابخانه‌ای و میدانی و استراتژی آن، تحلیل مضمون است. همچنین برای گردآوری داده‌ها

از مصاحبه، مشاهده میدانی و بررسی اسناد و مدارک استفاده شده است. روش انجام این تحقیق، تحلیل مضمون است. ابتدا موقعیت‌سازها در سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه خانواده مبتنی بر الگوها، نظریه‌های موجود، مطالعات موجود و اسناد بالادستی فرهنگ استخراج گردیده و آن‌گاه با بهره‌گیری از روش ISM^۱ اقدام به بررسی شبکه تعاملات موقعیت‌های تقابلی و نیز سطح‌بندی آنها شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌های غنی و تفصیلی مبدل می‌کند (Braun and Clarke, 2006: p. 82).

تحلیل مضمون، روشی برای دیدن متن؛ برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتب؛ تحلیل اطلاعات کیفی؛ مشاهده سیستماتیک شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (Boyatzis, 1998). در این مقاله، با توجه به نقش آفرینی موقعیت تقابلی در سیاست‌گذاری فرهنگی، بر مبنای نقش مضمون در تحلیل (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۵۹) از چهار نوع مضمون: «موقعیت‌های تقابلی»، «موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی»، «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی» و «حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی» استفاده شده است.

مضامین یا الگوهای موجود در داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی و روش قیاسی شناسایی کرد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ص ۵۸) که در این مقاله، از روش استقرایی استفاده شده است. در استراتژی استقرایی، محقق بایستی توجه داشته باشد که بینش وی با اندیشه‌های از پیش تصور شده آلوده نشود (Medawar, 2013: p. 40).

روش «ISM» یک روش ساختار تفسیری است که در آن، ابتدا به شناسایی عوامل تأثیرگذار و اساسی پرداخته و سپس با استفاده از روشی، روابط بین این عوامل و طریق دست‌یابی به پیشرفت توسط این عوامل ارائه شده است. روش ISM با تجزیه معیارها در چند سطح مختلف به تحلیل رابطه بین شاخص‌ها می‌پردازد. مدل‌سازی ساختار تفسیری قادر است رابطه بین شاخص که به صورت تکی یا گروهی به یکدیگر وابسته‌اند، را تعیین

نماید (Kannan and Kumar, 2009: pp. 28-36). روش ISM دارای این ظرفیت است که به منظور تجزیه و تحلیل رابطه بین خصوصیت‌های چند متغیر که برای یک مسئله تعریف شده‌اند، استفاده شود (Warfield, 1974: p. 81-87). مدلسازی ساختاری - تفسیری در تشخیص روابط درونی متغیرها کمک می‌کند و می‌تواند به اولویت‌بندی و تحلیل تأثیر یک متغیر بر متغیرهای دیگر باشد (آذر و بیات: ص ۸). بنابراین در این پژوهش، می‌تواند به اولویت‌بندی و تعیین سطح موقعیت‌های تقابلی و نیز تعیین موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی کمک کند.

۵. دستاوردهای پژوهش

در این مقاله مبتنی بر روش تحلیل مضمون و سپس با کاربست روش ISM در ۱۱ مرحله، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده استخراج و صورت‌بندی شده است که به اختصار توضیح داده می‌شود.

۱-۵. استخراج موقعیت‌های تقابلی اولیه

در مرحله اول مبتنی بر شش منبع زیر و با رویکرد انضمامی، تقابل‌ها یا موقعیت‌های تقابلی مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی حوزه خانواده استخراج شد: ۲۱ دوره‌ای سیاست فرهنگی شورای اروپا، اسناد بالادستی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (همچون اصول سیاست فرهنگی و بخش‌های فرهنگی برنامه‌های توسعه اول تا ششم، سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر معظم انقلاب در مورد برنامه ششم توسعه، سیاست‌های کلی جمعیت و نیز سایر سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه‌های مختلف فرهنگی مانند: سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات و سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران و سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش و سیاست‌های کلی علم و فناوری)، گفته‌ها و نظرات بزرگان، برنامه‌ها و رویکردهای عملیاتی، گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و الگوهای سیاست‌گذاری.

در این مرحله، پژوهشگر به مرز کفایت داده رسیده است. به نحوی که با نگاه سیاست‌گذارانه، تقابل جدید یا مهم دیگری در رخدادهای اخیر برای وی حاصل نشده است.

۲-۵. ویرایش و تهذیب موقعیت‌های تقابلی

در مرحله بعد با انجام مصاحبه و مباحثه با برخی از صاحب‌نظران، ویرایش و تهذیب تقابل‌ها صورت گرفته و فهرست نهایی استخراج شد.

۳-۵. گروه‌بندی اولیه مفهومی موقعیت‌های تقابلی

در این مرحله، پژوهشگر طی یک فرایند طولانی، اقدام به دسته‌بندی اولیه مفهومی تقابل‌ها کرده است. علت این کار، تعداد بسیار زیاد تقابل‌ها بوده است. در این مرحله نیز از دیدگاه کارشناسان بهره گرفته شد. همچنین توجه ویژه‌ای به شاخص‌هایی همچون؛ اهمیت مفاهیم از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی، تقدم یا اولویت ذهنی مفاهیم، عام یا ریشه‌ای بودن مفاهیم و وابستگی طولی آنها شده است. این دسته‌بندی اولیه، روند بررسی مفاهیم را به لحاظ زمانی کاهش حجمی داده و روند بررسی را به لحاظ ذهنی تسهیل کرده است. یادآوری می‌شود که عمده روابط شکل گرفته در این مرحله، تشخیص همبستگی یا وابستگی طولی بوده است.

۴-۵. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

در این مرحله، بررسی ارتباطات بین انواع تقابل‌ها هم در درون دسته‌ها و هم بین دسته‌ای، چه به شکل رابطه از جنس همبستگی عرضی، چه از جنس وابستگی عرضی، چه از جنس همبستگی طولی و چه از جنس وابستگی طولی شکل گرفته است.

در این گام، معیارها را به صورت زوجی با یکدیگر در نظر گرفته و به مقایسه‌های زوجی پاسخ داده شده است (ن.ک: فیروزجانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۲۹-۱۵۹). در این مطالعه روابط بین موقعیت‌های تقابلی با استفاده از ارتباط مفهومی «منجر به بلا تکلیفی» در تحلیل

شده است. ماتریس مربوطه به عنوان ورودی تکنیک ISM محسوب می‌شود (ن.ک: همان). در این مرحله، وضعیت پیچیده و سردرگمی از روابط بین تقابل‌ها ایجاد شده است.

۵-۵. عملیات آماری بر روی شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی

در این مرحله، اقدامی آماری بر روی شبکه ارتباطی تقابل‌ها شکل گرفت. انواع روابط بین تقابل‌ها شامل روابط مستقیم و روابط غیرمستقیم تقابل‌ها می‌باشد. ماتریس دریافتی در این مرحله از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید. در ماتریس دریافتی، درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد. در واقع با تبدیل نمادهای ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک، «ماتریس دستیابی اولیه» به دست می‌آید (ن.ک: همان).

نکته مهمی اینکه این پژوهش، به دنبال علل تام یک موقعیت هرمنوتیکی نیست، بلکه چنانچه یک تقابل، نسبت به تقابل دیگر، همبستگی یا وابستگی بیشتری نسبت به دیگر موقعیت‌های تقابلی داشته باشد، به مثابه مضمون کلیدی تر یا همان موقعیت‌ساز هرمنوتیکی اصلی تر، در نظر گرفته می‌شود. از این رو، از روش ISM استفاده شده است.

۵-۶. رتبه‌بندی و مقایسه داده‌های آماری شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی

در این مرحله، مبتنی بر داده‌های آماری، موقعیت‌های تقابلی، به صورت نزولی از حداکثر به حداقل مرتب شده است.

۵-۷. سطح‌بندی موقعیت‌های تقابلی مبتنی بر قاعده پاره تو

نکته‌ای که در این پژوهش اشکال ایجاد می‌کند، اینکه سطح‌بندی موقعیت‌های تقابلی مبتنی بر روش ISM مبتنی بر اشتراک روابط دوسویه است (کریاسیان و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۲۵). تقریباً تمام روابط بین موقعیت‌های تقابلی، دوسویه است و یا اینکه در مورد بسیاری از آنها با قاطعیت نمی‌توان قضاوت کرد که یک طرفه باشد. بنابراین از اینجا به بعد، با توجه به اینکه هدف این پژوهش، شناسایی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و صورت‌بندی

آن بوده، از روش پاره‌تو به منظور سطح‌بندی استفاده شده است. مبتنی بر قاعده پاره‌تو، تقابل‌ها به نحوی انتخاب شدند که ۸۰ درصد روابط را شامل شود. در واقع در این مرحله، مضامین اولیه، یا همان موقعیت‌های هرمنوتیکی اولیه استخراج شد.

۸-۵. رتبه‌بندی و بررسی موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی

در این مرحله، اقدام به بررسی مضامین اولیه مستخرج در مرحله هفتم، مبتنی بر دسته‌بندی مذکور در مرحله سوم شکل گرفت. همچنین در این مرحله، در داخل هر دسته، تقابل‌ها به شکل جداگانه در هر دسته مرتب شدند.

۹-۵. استخراج یا انتخاب موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی

در مرحله نهم، تلاش شد تا در هر دسته، مبتنی بر اطلاعات آماری، تحلیل مفاهیم و قرابت معنایی و نیز دیگر شاخص‌های مربوطه مضامین اصلی یا همان موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی استخراج شود. در این مرحله، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی انتخاب شدند.

۱۰-۵. سازمان‌دهی یا گروه‌بندی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی

در این مرحله، به منظور سازمان‌دهی بهتر موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، مضامین سازمان‌دهنده استخراج شد. این مضامین، جنبه تقابلی نداشته و تنها برای سازمان‌دهی موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی استخراج و ثبت شده است. سایر مضامین مرتبط با حوزه خانواده در شش حوزه دسته‌بندی شده است.

۱۱-۵. ترسیم و صورت‌بندی نهایی شبکه تعاملات

در این مرحله، صورت‌بندی شبکه تعاملات مبتنی بر حوزه‌ها (مضامین سازمان‌دهنده)، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی (یا همان مضامین اصلی)، موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی (دیگر مضامین اولیه) و نیز موقعیت‌های تقابلی (یا همان کدهای اولیه) انجام شده که فهرست آن در زیر ارائه شده است:

موقعیت‌های تقابلی	موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی	موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی	حوزه‌های اصلی
		کراهت یا جاهت لذت‌گرایی جنسی	خانواده‌گرایی
زنانه - مردانه	مقیاس بازدهی زنان در چیست؟ اقتصاد، خانواده، حکومت جهانی	اخلاق مراقبت یا اخلاق عدالت‌محور	
مردسالاری سنتی و فمینیسم			
تقابل فرم و محتوا در نقش زنان			
تقابل لزوم برخورد مساوی مردان در مورد بانوان			
	ترویج یا جلوگیری از ازدواج موقت	تقابل در نگاه اجتماعی و فردی نسبت به حدود و ثغور امور جنسی	
	تک‌همسری یا چندهمسری	خانواده ایده‌آل اسلامی	
	اولویت معرفت یا معیشت؟	عقلانیت معطوف به هدف یا عقلانیت معطوف به ارزش‌ها	عرفی‌گرایی یا سکولاریزم
		اقتصاد اسلامی یا سکولار	
	منشأ فرهنگ، افاضات ملکوتی است یا برساخت اجتماعی؟	دنیاگرایی یا آخرت‌گرایی	
		یکی دانستن یا ندانستن سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی مسلمانان	
		حکومت اسلامی یا حکومت مسلمانان	
	فرهنگ سکولار و غیرسکولار		

حوزه‌های اصلی	موقعیت‌سازهای کلیدی هرنوتیکی	موقعیت‌های پایه هرنوتیکی	موقعیت‌های تقابلی
دموکراتیزاسیون	دموکراتیزاسیون فرهنگ یا فرهنگ بالا به پایین	حقوق شهروندی بر مبنای حق طبیعی یا بر مبنای فطری	نگاه سوسیالیستی و لیبرالیستی به مسائل فرهنگی
	تنوع فرهنگی یا تک‌فرهنگی		
توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون	تکنوپولی یا حاکمیت فرهنگ بر ابزار	سنت و تجدد	
		عقب‌ماندگی فرهنگی داریم یا نه؟	
		موضع فعال یا موضع انفعالی در مقابل فرهنگ غربی	
		معیار داوری ایران، آیا وضعیت غرب است؟	
	توسعه‌گرایانه یا شریعت‌مدارانه	فرهنگ به مثابه ارزش فی‌نفسه توجیه‌کننده یا به مثابه ابزاری برای توسعه	عدالت اجتماعی یک صفت فردی یا یک صفت نهادی و ساختاری
		توسعه غربی یا پیشرفت اسلامی	
ملی‌گرایی	میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر		
	جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی		
اصلاحات اجتماعی و اقتصادی	کاهش یا افزایش جمعیت		
	جامعه‌گرایی یا فردگرایی		

موقعیت‌های تقابلی	موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی	موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی	حوزه‌های اصلی
	اخلاق فردی یا اجتماعی	رابطه همسازی اخلاق و فرهنگ یا رابطه آمرانه اخلاق و فرهنگ	تشریح‌مداری
	میزان رابطه فرهنگ و نظام ارزشی	فقه فردی و فقه نهادمحور	
	توسعه موسیقی یا تحدید موسیقی	حدود و ثغور شادی حقیقی و لهو و لعب	
	مسأله‌بودگی بی‌حجابی	تقابل در اجباری یا غیراجباری بودن حجاب	
	حکومت بر مبنای فقه یا علوم و معارف روز		

در این تحقیق، در مجموع ۴۵ موقعیت تقابلی استخراج شده که ۱۱ مورد آن به‌طور مستقیم در زیرمجموعه خانواده قرار گرفته و ۳۴ مورد آن در شش حوزه مرتبط با حوزه خانواده قرار گرفته است.

۶. واکاوی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در «حوزه خانواده»

حوزه خانواده در مجموع از ۱۷۷ رابطه با موقعیت‌های تقابلی برخوردار است که ۳۴ رابطه مربوط به موقعیت‌های تقابلی ذیل این حوزه و ۱۴۳ رابطه مربوط به موقعیت‌های تقابلی موجود در زیرشاخه حوزه‌های دیگر می‌باشد.

خانواده‌گرایی، حوزه‌ای است که چهار موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، سه موقعیت پایه هرمنوتیکی و چهار موقعیت تقابلی ذیل آن جای گرفته است که در ادامه به اختصار تبیین می‌شود.

۶-۱. کراهت یا وجاهت لذت‌گرایی جنسی مشروع

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، در مجموع ۲۷ رابطه دارد که پنج مورد آن مربوط

به زیرشاخه‌های حوزه خانواده است و ۲۲ مورد آن با سایر موقعیت‌های تقابلی است که در زیرشاخه شش حوزه دیگر قرار گرفته‌اند. ۱۶ رابطه از میان این ۲۷ رابطه، ارتباط با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی است و ۱۱ رابطه با موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی.

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق به معنای عام است. شامل آن عده از عادات، ملکات و شیوه‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد (مظهری، ۱۳۸۹: ص ۲۲).

امروزه با توجه به شرایط جدید و حاکم بر فضای جنسی جامعه، بحثی مطرح است که سیاست‌گذار در زمینه اخلاق جنسی چه راهی را بایست پیش بگیرد که جامعه ایرانی اسلامی به سعادت دست یابد؟ آیا اخلاق جنسی قدیم را باید حفظ کرد و یا باید آن را در هم ریخت و اخلاق نوین جایگزین آن ساخت؟.

امروزه برای تأمین «لذت خوردن»، ده‌ها ساختار، فرایند، آیین‌نامه و دستورالعمل تدوین شده و هزاران نفر به امر تأمین و نظارت بر «لذت خوردن» در کشور مشغول هستند. به عبارت دیگر، «لذت خوردن» در کشور ایران، سامانه‌مند شده است؛ اما لذت جنسی که به مراتب مهم‌تر از «لذت خوردن» است، هیچ سامانه‌ای برای تأمین و نظارت بر اصل آن طراحی و مستقر نیست؛ به عبارت دیگر، در کشور ایران، هیچ سامانه قابل توجهی مبنی بر عرضه و تقاضای امور جنسی به صورت رسمی وجود ندارد.

برخی از چالش‌هایی که در این روابط قابل بررسی است در چارچوب سؤالات زیر مطرح است:

آیا امروزه جامعه اسلامی می‌تواند بازار^۱ تأمین نیازهای جنسی در سطح اجتماعی راه‌اندازی کند؟ آیا سودآوری بازار لذت‌گرایی جنسی، می‌تواند دلیل مناسبی برای راه‌اندازی آن همانند بازار اغذیه و پوشاک باشد؟ آیا در اقتصاد اسلامی، بازار تأمین نیاز جنسی و جاهتی دارد؟ آیا ترویج و تأمین نیازهای جنسی به صورت آشکارا و در سطح کلان اجتماعی، منافاتی با آخرت‌گرایی دارد؟ اگر منشأ فرهنگ، افاضات ملکوتی است، پس چرا در لایه سیاست‌گذاری فرهنگی، همچنان سنت‌های اسلامی تأمین نیازهای جنسی،

۱. منظور از بازار، وجود محلی حقیقی یا معجزی برای پوشش عرضه و تقاضای ناظر به نیازهای جنسی مشروع می‌باشد که از گردش مالی برخوردار است.

مکروه است؟ آیا مبنای تعیین کراهت یا وجاهت لذت‌گرایی جنسی، اقتضائات هر فرهنگ است؟ آیا سیاست‌گذار با توجه به بحرانی شدن وضعیت جمعیت و افزایش قابل توجه مجرد قطعی دختران و آمار طلاق و نیز افزایش سن ازدواج، می‌تواند به ترویج چندهمسری و ازدواج موقت و مانند آن با هدف افزایش جمعیت اقدام کند؟ در خانواده ایده‌ال اسلامی، تا چه میزان از لذت‌گرایی جنسی پذیرفتنی است؟ چه میزان از لذت‌گرایی جنسی (تک‌همسری، چندهمسری، ازدواج موقت، تنوع‌طلبی و...) در دایره شادی حقیقی محاسبه می‌شود و چه میزان کراهت دارد؟

۲-۶. تقابل در نگاه اجتماعی و فردی نسبت به حدود و ثغور امور جنسی

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، مجموعاً ۸۵ رابطه دارد که ۱۵ مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه خانواده است و ۳۱ مورد آن رابطه مستقیم این موقعیت‌ساز کلیدی است با سایر موقعیت‌های تقابلی که در زیرشاخه شش حوزه دیگر قرار گرفته‌اند. ۱۷ رابطه از میان این ۳۱ رابطه، رابطه این موقعیت‌ساز هرمنوتیکی با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در شش حوزه دیگر است. سه رابطه، مربوط به رابطه این موقعیت‌ساز کلیدی با موقعیت‌های تقابلی و ۱۱ مورد مربوط به موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی است. همچنین ۳۹ رابطه از میان مجموع ۸۵ رابطه، رابطه زیرشاخه‌های این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی و موقعیت‌های پایه و تقابلی است.

در اینجا اگر کسی خواهر یا دخترش به دلیل شرایط خاصی که دچار شده و امکان ازدواج دائم برایش فراهم نباشد، آن‌گاه در اثر فشار جنسی یا مالی بین متعه و زنا بایستی یکی را انتخاب کند، وی به‌عنوان پدر یا برادر، کدام راه را برای وی تجویز می‌کند؟ همچنین به‌لحاظ اجتماعی و در لایه سیاست‌گذاری فرهنگی، چگونه می‌توان آن را حل کرد؟ حکمت الهی و کامل بودن دین اسلام اقتضا می‌کند که به جهت رفع نیازهای جنسی، راه‌های مشروعی قرار داده شود. یکی از راه‌های رفع این نیاز، ازدواج دائم است؛ اما بدیهی است که ازدواج دائم برای تمامی انسان‌ها از سن بلوغ میسر نیست و موانعی وجود دارد که بازدارنده تحقق این امر است. افزون بر این، در بعضی موارد برای آقایان همسر دار نیز امکان ارضای غریزه جنسی فراهم نیست. بنابراین، تشریح ازدواج موقت در اسلام در واقع

پاسخی به همین نیاز فطری انسان است. از این رو، که ایجاد چنین راهی، از نیازهای اساسی بشر و ضروریات هر جامعه است (ر.ک: اسدی و صادقی فدکی، ۱۳۹۷).

برخی با ازدواج موقت مخالف هستند. همچنین موافقین نیز مبتنی بر روایات و نیز تحلیل‌های خود، برای این ایرادات پاسخ‌هایی ارائه کرده‌اند. اما مهم‌ترین مسئله‌ای که مطرح است؛ تعیین تکلیف نظام سیاست‌گذاری، چه در مقام تصمیم‌گیری و چه در مقام اجرا می‌باشد.

از دیگر موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی، در زیرشاخه این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، «تک‌همسری یا چندهمسری» است. علیرغم اینکه چند همسری را اسلام با شرایطی پذیرفته است (مطهری، ۱۳۸۹: ص ۳۰۶ - ۳۱۴)، ولی تناقض‌های عجیبی در سیاست‌گذاری در این حوزه وجود دارد.

مسائلی که در اینجا نیز وجود دارد، مشابه مسائل بخش‌های قبلی است. رفتار متناقض سیاست‌گذار در این زمینه که ناشی از بلا تکلیفی است، نیازمند اصلاح و تعیین موضع شفاف در تمام فرایند سیاست‌گذاری است.

۳-۶. اخلاق مراقبت یا اخلاق عدالت‌محور

این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، در مجموع ۳۹ رابطه دارد که هفت مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه خانواده است و ۲۳ مورد آن با سایر موقعیت‌های تقابلی که در زیرشاخه شش حوزه دیگر قرار گرفته‌اند و نه رابطه به صورت غیرمستقیم از طریق زیرشاخه‌های این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی با سایر موقعیت‌های تقابلی برقرار شده است. ۱۵ رابطه از میان ۲۸ رابطه مستقیم، رابطه با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی است و ۱۲ رابطه با موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی و یک رابطه با موقعیت تقابلی.

گیلیگان و نادینگرز، به عنوان پایه‌گذاران مباحث اخلاق مراقبت، در سه نقطه خود را از نظریه‌های اخلاقی تکلیف‌گرای کانت و نتیجه‌گرای میل متمایز می‌کنند: (۱) جزئی‌نگری، (۲) هواداری، (۳) اصل محبت و به کارگیری عواطف. در واقع با این سه تمایز می‌توان نقدهای اخلاق مراقبت را بر این نظریات اخلاقی درک کرد؛ این نظریه‌ها عام، بی‌طرف و عقلانی هستند (Howard, 1999: p. 279).

از دیدگاه تکلیف‌گرای کانت، عملی اخلاقی به‌شمار می‌رود که فقط به قصد انجام وظیفه و براساس آن باشد. برای شناخت چنین عملی باید بتوان آن را تعمیم داد و طبق یکی از صورت‌بندی‌های کانت، معیار صواب و اخلاقی بودن یک عمل آن است که هنگامی که آن را کسی انجام دهد، بخواهد که به قانونی عام تبدیل شود (کانت، ۱۳۷۵: ص ۲۷ به نقل از اسلامی، ۱۳۸۷: ص ۱۷-۱۸).

در مقابل این نگرش تکلیف‌گرا، جان استوارت میل معتقد است که انسان خواستار خوشی و از رنج‌گریزان است، بنابراین این عملی که بیشترین خوشی یا کمترین رنج یا بیشترین پیامد خوب را برای دیگران در بر داشته باشد، اخلاقی به حساب می‌آید. در نتیجه همواره باید با این معیار، رفتارهای اخلاقی را شناسایی و توصیه کرد (Mill, 1998: p. 55).

این دو دیدگاه به رغم اختلافات عمیق خود در معیار فعل اخلاقی، در سه نقطه مشترک هستند. یکی توسل به قاعده‌ای عام برای تصمیمات اخلاقی، دیگری تأکید بر «بی‌طرفی» در داوری‌های اخلاقی و سومی به کارگیری «عقلانیت» در فهم و رفع مسائل و معضلات اخلاقی است (اسلامی: ص ۱۷-۱۸).

اما اخلاق مراقبت درست در همین سه نقطه، با این دو دیدگاه به مخالفت بر می‌خیزد و منکر قواعد عام اخلاقی می‌شود، بر ضرورت درگیر شدن فاعل اخلاقی و هواداری او تأکید می‌کند و پای احساسات را برای قضاوت اخلاقی به میان می‌کشد. در حالی که از نظر نظام‌های اخلاقی مسلط همچون نظریه کانت، بی‌طرفی و عینیت لازمه هرگونه داوری صواب اخلاقی به‌شمار می‌رود، از دیدگاه اخلاق مراقبت «بی‌طرفی»، خود بی‌طرفانه نیست بلکه جانبدارانه است و در بهترین حالت ناقص و نیازمند تکمیل با معیارهای دیگر است و در بدترین حالت، آرمانی دست‌نیافتنی و گمراه‌کننده به‌شمار می‌رود (Friedman, 1998: pp. 393-394).

گرچه سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی در اسناد بالادستی، محوریت و اولویت نقش آفرینی زنان را در نقش مراقبتی و مادرانه و در محیط خانواده دیده‌اند، لیکن در عمل، حاصل عملکرد مجریان سیاست‌ها، چیز دیگری را نشان می‌دهد.

برخی از چالش‌هایی که در این روابط قابل بررسی است، در چارچوب سؤالات زیر مطرح است: آیا چنانچه اقتضای منافع مادی جامعه باشد، می‌توان به‌دنبال ترویج و

نهادینه‌سازی اخلاق عدالت‌محور برای بانوان بود؟ آیا امروزه بازارهای جامعه اسلامی می‌توانند مملو از نیروی انسانی زن باشد؟ در سبک زندگی اسلامی، بانوان در بعد اجتماعی چه موقعیتی دارند؟ به‌طور کلی در حکومت اسلامی، مدیریت عرضه و تقاضای نیروی انسانی (اعم از زن و مرد) با حکومت یا با خود مردم است؟ در تعیین آستانه نقش‌های اجتماعی بانوان، بایستی مبتنی بر آراء جامعه یا بر اساس آموزه‌های فرهنگ متعالی و نظرات نخبگان عمل کرد؟ در تأمین نیروی انسانی بازار کار و نقش آفرینی‌های اجتماعی بانوان در جامعه، بایستی مبتنی بر سنت‌ها و آداب و رسوم پیشین خود یا بر مبنای فرهنگ معاصر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد؟ آیا تأمین نیازهای جنسی مردان می‌تواند در زمره نقش آفرینی اجتماعی بانوان (برای کسانی که شرایط شرعی آن را دارند) از طریق راه‌اندازی بازارهای مربوطه و حضور فعال آنان باشد؟

۴-۶. خانواده ایده‌ال اسلامی

«خانواده ایدئال اسلامی»، در مجموع ۲۸ رابطه دارد که هفت مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های حوزه خانواده است. ۱۵ مورد آن رابطه با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در شش حوزه دیگر است. دو مورد آن، رابطه با موقعیت‌های تقابلی و ۱۱ مورد آن، رابطه با موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی است.

با وجود آموزه‌ها و توصیه‌های قرآنی و روایی بسیار درباره خانواده، در منابع اصلی اسلام به هیچ ساختار یا گونه معین نظام خانوادگی تأکید یا اشاره نشده است و پیامبر اسلام ۹ در نظام و ساختار عمومی خانواده عربی تغییری ندادند. همچنین در متون قرآنی صدر اسلام، شکل‌های مختلف خانواده، از خانواده هسته‌ای گرفته تا وسیع‌ترین انواع آن، در بافت قرآنی و سنت عربی اسلامی اولیه نیز قابل شناسایی است (زروانی، ۱۳۹۷، ج ۱).

در بند شش سیاست‌های کلی خانواده، ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به‌عنوان یک سیاست مهم در نظر گرفته شده است. ابلاغ این سیاست، اولاً، تأکید بر این است که همچنان با گذشت حدود ۱۴۰۰ سال از عمر جامعه اسلامی و چهاردهه از عمر انقلاب اسلامی ایران، الگوی اسلامی خانواده یا به عبارت دیگر، خانواده ایده‌ال اسلامی طراحی نشده است، ثانیاً، اهمیت طراحی

الگوی خانواده ایده‌ال اسلامی، به قدری زیاد است که در سیاست‌های ابلاغی بر آن تأکید رفته است.^۱

در ترسیم یک خانواده ایده‌ال اسلامی و در ارتباط با موقعیت‌های تقابلی در سایر حوزه‌ها، پرسش‌های فراوانی (از منظر سیاست‌گذاری) وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

آیا در خانواده ایده‌ال اسلامی، ازدواج موقت موضوعیت دارد؟ آیا خانواده‌های چندهمسری هم جزء خانواده ایده‌ال اسلامی محسوب می‌شوند؟ نرخ دعوا و اختلاف‌ها به چه میزان در خانواده ایده‌ال اسلامی قابل قبول است؟ با توجه به اینکه برخی از همسران ائمه و پیامبران^۲، نیز نامناسب بوده‌اند و مشکلات اعتقادی یا اخلاقی داشته‌اند، در خانواده ایده‌ال اسلامی، نرخ و میزان اعتقادات در چه بازه‌ای قرار دارد؟ آیا خانواده ایده‌ال اسلامی، کم‌جمعیت است یا پرجمعیت؟ وضعیت اشتغال زنان چگونه است؟ در این نوع خانواده، در صورت اشتغال زنان نرخ و میزان بهره‌های جنسی زن و مرد از یکدیگر در چه بازه‌ای قابل قبول است؟ آیا تشکیل خانواده از نظر اسلام، یک ارزش است یا مجموعه‌ای از اهداف؟ آیا تنها منافع مادی (جنسی، مالی، سیاسی و...)، می‌تواند دلیل مناسبی برای تشکیل خانواده باشد؟ در یک حکومت اسلامی، امور مربوط به تشکیل خانواده ایده‌ال اسلامی بر عهده کیست؟ و آیا، در همه‌جا به یک شکل باید باشد یا اینکه در هر فرهنگی متناسب با اقتضائات آن فرهنگ متفاوت است؟ آیا خانواده ایده‌ال اسلامی، نسبت به تأمین نیاز جنسی جامعه نیز مسئولیت دارد؟

اگرچه پاسخ برخی از پرسش‌ها، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ اسنادی مشخص است، لیکن در فرایند کامل سیاست‌گذاری، آنچه که در عمل اتفاق می‌دهد، در تعارض با موضع‌گیری نظری و سندی سیاست‌گذار جمهوری اسلامی است. همچنین در برخی موارد، نه تنها در عمل تعارض وجود دارد، بلکه ناپایایی یا عدم ثبات در اتخاذ مواضع نیز دیده می‌شود که این مهم، بسیار دشوارتر از حالت پیشین است. بنابراین منظرگاه این

۱. لازم به ذکر است نگارنده نیز در بین آثار، اسناد و نظرات متعدد موجود در این حوزه، مطالعه فراوانی برای یافتن خانواده ایده‌ال اسلامی کرده، لیکن نتیجه‌ای به دست نیامده است.

پژوهش، سیاست‌گذارانه بوده و خود را محبوس در مباحث تئوریک و اسنادی نکرده است.

نتیجه‌گیری

سیاست‌هایی که سیاست‌گذار فرهنگی در درون فرهنگ و جامعه با هدف رفع مسائل فرهنگی اتخاذ می‌کند، تغییرات و تحولات مستمر اجتماعی را به‌دنبال می‌آورد. هماهنگی مقام سیاست‌گذار و مجریان سیاست‌گذاری در تفسیر سیاست‌ها، چه در مقام فهم و چه در مقام عمل، در تحولات و اصلاحاتی که یک سیاست‌دنبال می‌کند دارای کارکردی محوری است. در واقع، موقعیت هرمنوتیکی سیاست‌گذار، حکم پدیده‌ای است که سیاست‌گذار از منظر آن، مشکلات فرهنگی را شناخته و برای حل و اصلاح آن عمل می‌کند.

روند اصلاحی جامعه در گرو هماهنگی و انسجام سیاست‌گذاران فرهنگی با یکدیگر و نیز با مجریان سیاست‌ها در تفسیر سیاست‌ها است. اگر جامعه‌ای از نظر به مسائل و مشکلات خود باز ماند و یا به‌هنگام نظر، قوت یا امکان تبیین مسئله را در چارچوب یک موضع شفاف و هماهنگ نداشته باشد، آن جامعه در مسیر تنش‌ها و حرکت‌های کور، طریق افول را طی می‌کند و از خلاقیت و آفرینش باز می‌ماند.

کشگری تأثیرگذار و مطلوب سیاست‌گذار فرهنگی در فرایند تدوین سیاست‌های فرهنگی، وابسته به تعیین مواضع شفاف، پایدار و منسجم نسبت به موقعیت‌های تقابلی، ویژه موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی است؛ گرچه این سیاست‌ها در یک چرخه عملیاتی و نه به‌صورت خطی باید تدبیر و اجرا شود، اما لازم است که ابتدا موضع نظام سیاست‌گذاری، چه در عمل و چه در مرحله تدوین، نسبت به موقعیت‌های تقابلی با توجه به اولویت‌های ذکرشده، مشخص شود. بر این اساس، تولید محتوا و دانش و سپس نیروسازی و در انتها سازماندهی انجام شود. بدون شک سازماندهی مناسب بر شیوه تبیین و تولید محتوا و حتی نیروسازی اثرگذار است، اما بدون آگاهی و دانش کافی و نیروی مناسب، سازماندهی جز اتلاف هزینه و عمر اثری نخواهد داشت.

این نوشتار، گامی آغازین و بسیار ناچیز در شناسایی مهم‌ترین موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده بود. در

راستای تکمیل این مسیر، پیشنهاد می‌شود در اولویت‌بندی‌ها، فارغ از اینکه سندی تولید بشود یا تقسیم کاری صورت بگیرد یا نه، دستگاه‌های فرهنگی و نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی این مهم را در اولویت و دستور کار قرار داده و نسبت به رفع چالش‌های هرمنوتیکی اقدام نمایند. بدیهی است رفع بسیاری از چالش‌ها، علاوه بر شفاف‌سازی تئوریک و سندی، نیازمند طراحی و استقرار چرخه کامل سیاست‌گذاری نیز می‌باشد.



کتابنامه

۱. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷)، «طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، دوره اول، ش ۱، ص ۳-۱۸.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱)، بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی، چ ۱، تهران: نشر علم.
۳. اسدی، سیدمصطفی و سیدجعفر صادقی فدکی (۱۳۹۷)، «ازدواج موقت: عقد زناشویی با تعیین مدت و مهر»، دایرة المعارف قرآن کریم، دسترسی در ۱۴/۶/۱۳۹۷:

<http://maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/2/72.htm>

۴. اسلامی، حسن (۱۳۸۷)، «اخلاق مراقبت»، مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۲، ص ۷-۴۳.
۵. اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه: حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
۷. بهادری، افسانه (۱۳۷۶)، درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۸. بیگدلو، رضا (۱۳۹۷)، جریان‌های فرهنگی ایران معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. پارسونز، واین (۱۳۸۵)، مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، ج ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۱۰. پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰)، فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر قطره.
۱۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «رویکرد ماتریسی در برنامه‌ریزی فرهنگی»، در مجموعه مقالات همایش ماتریس فرهنگی: مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، ج ۱، تهران: انتشارات تیس، ص ۱۳۷-۱۹۸.

۱۲. حسینی جلی، سید میر صالح (۱۳۹۰)، تحلیل جامعه‌شناختی جریان‌های روشنفکری در ایران، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۴.
۱۳. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۳)، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی، چ ۱، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۴. دانایی‌فرد، حسن، سید مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۷)، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
۱۵. ریکور، پل (۱۳۹۳)، درباره ترجمه، ترجمه: مدیا کاشیگر، تهران: نشر افق.
۱۶. زروانی، مجتبی (۱۳۹۷)، «خانواده، دانشنامه جهان اسلام، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی»، ج ۱، دسترسی در ۱۴/۶/۱۳۹۷: <http://lib.eshia.ir/23019/1/6826>
۱۷. سرل، جان. آر (۱۳۸۲)، ذهن، مغز و علم، ترجمه: امیر دیوانی، چ ۱، قم: بوستان کتاب.
۱۸. سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۶/۲.
۱۹. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۸/۱۳.
۲۰. سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص برنامه ششم توسعه، مرداد ۱۳۹۴.
۲۱. سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.
۲۲. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۱۰.
۲۳. سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.
۲۴. سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۲/۳۰.
۲۵. سیاست‌های کلی خانواده، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵.
۲۶. سیاست‌های کلی علم و فناوری، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۶/۲۹.
۲۷. شافریتز، جی. ام و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷.
۲۸. شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۶)، «خسونت خانوادگی، دلزدگی زناشویی و احساس ارزشمندی در زنان عادی و مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شهر تهران»، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ش ۱، ص ۳۵-۵۲.

۲۹. صالحی امیری، سیدرضا و الهه حیدری‌زاده (۱۳۸۹)، ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی در برنامه‌های توسعه: مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۰. طالبی، سارا و محمدقلی میناوند (۱۳۹۰)، «تقابل فرم و محتوا در نقش زنان در تصویر خانواده»، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، س ۴، ش ۲۱۴، ص ۸۶-۵۷.
۳۱. طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۲)، «تبیین چالش‌های فراروی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ»، تهران: مجموعه مقالات همایش سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ص ۱۰۱-۸۹.
۳۲. عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۱۹۸-۱۵۱.
۳۳. غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۲)، سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی: طرحی برای یک الگوی جانشین، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۴. فرج‌نژاد، محمدحسن (۱۳۹۲)، میزان انطباق بخش فرهنگی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه با اصول سیاست‌های فرهنگی، مقطع کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
۳۵. فکوهی، ناصر (۱۳۹۴)، صدویک پرسش از فرهنگ: کتاب انسان‌شناخت (اول)، تهران: انتشارات تیسرا.
۳۶. فیروزجانیان، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۲)، «کاربرد تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) در مطالعات گردشگری: تحلیلی با رویکرد آسیب‌شناسانه». مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ش ۶، ص ۱۵۹-۱۲۹.
۳۷. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۸. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۹.

۳۹. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳.
۴۰. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰.
۴۱. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۹.
۴۲. قانون برنامه ششم توسعه، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۴۳. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۳)، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت.
۴۴. کاوسی، اسماعیل و فرزانه چاوش باشی (۱۳۸۹)، دولت و برنامه‌ریزی فرهنگی: مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۴۵. کرباسیان، مهدی و دیگران (۱۳۹۰)، «کاربرد مدل (ISM) جهت سطح‌بندی شاخص‌های انتخاب تأمین‌کنندگان چابک و رتبه‌بندی تأمین‌کنندگان با استفاده از روش AHP - TOPSIS فازی»، مجله علمی - پژوهشی مدیریت تولید و عملیات، س ۲، ش ۲، ص ۱۰۷-۱۳۵.
۴۶. گوییگان، جیم مک (۱۳۸۸)، بازان‌دیشی در سیاست فرهنگی، ترجمه: نعمت‌الله فاضلی، تهران: دانشگاه امام صادق ۷.
۴۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۲)، کلمات قصار امام خمینی، پندها و حکمت‌ها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۴.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: انتشارات صدرا.
۴۹. واعظی، احمد (۱۳۹۲)، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۰. واعظی، احمد (۱۳۹۳)، درآمدی بر هرمنوتیک. چ ۷، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۱. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۴)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: انتشارات سمت.
۵۲. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۶)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۵۳. هاوالت، مایکل، ام پرل رامش و آنتونی پرل (۱۳۹۴)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه: عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

54. Boyatzis, Richard E (1998), *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. Sage Publications.
55. <http://maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/2/72.htm>
56. Cochran, Charles L. and Eloise F. Malone (2005), *Public policy: Perspectives and choices*. 3. ed. Boulder, Colorado: Lynne Rienner.
57. Dye, Thomas R. (2013), *Understanding public policy*. 14 ed., internat. ed. Boston, Mass. [u.a.]: Pearson.
58. <http://lib.eshia.ir/23019/1/6826>
59. Friedman, Marilyn (1998) , *Impartiality, in A Companion to Feminist Philosophy*, edited by Allison M. Jaggar and Iris Marion Young, Massachusetts: Blackwell Publishing.
60. Gadamer, Hans – Georg (2004), *Truth and Method* (Continuum Impacts). 1st ed. Continuum.
61. Howard Curzer, J. (1999), *Ethical Theory and Moral Problems*, Belmont: Wadsworth Publishing Company.
62. Jenks, Chris (1998), *Core sociological dichotomies*, London, Thousand Oaks, Calif.: SAGE.
63. Matarasso, François and Charles Landry (1999), *Balancing act: twenty – one strategic dilemmas in cultural policy*. vols4. Belgium: Council of Europe Publishing.
64. Mayers, James and Stephen Bass, eds (2004), *Policy that works for forests and people*, Real prospects for governance and livelihoods. Sterling, VA: Earthscan.
65. Medawar, Peter B. (2013), *Induction and Intuition in Scientific Thought*. Taylor & Francis.
66. Mill, J. S. *Utilitarianism* (1998), *edited by Roger Crisp*, Oxford: Oxford University Press.
67. Palmer, Richard E. (2000), *Hermeneutics: Interpretation theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer*. [Reprinted 2000]. Northwestern University studies in phenomenology & existential philosophy. Evanston [Ill.]: Northwestern University Press.

68. Shafritz, Jay M. and Christopher P. Borick (2008), *Introducing public policy*, New York [u.a.]: Pearson Longman.
69. Braun, Virginia and Victoria Clarke (2006), Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2). 2006, pp. 77 – 101”. available online at:
70. <http://www.informaworld.com/smpp/content~db=all~content=a795127197~frm=titlelink>.
71. Kannan, G., Pokharel, Sh. and Sasi Kumar P. (2009), “A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider, Resources,” *Conservation and Recycling*, 54 (1), pp. 28 – 36.
72. Warfield, John, N. (1974), “Developing Interconnection Matrices in Structural Modeling,” *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics SMC – 4*, no.1, pp. 81 – 87.

